



سیر تحول مصور سازی کتب و نشریات به شیوه چاپ سنگی (در نیمه ی قرن ۱۳ هجری قمری)

پدیدآورنده (ها) : مراثی، محسن؛ نظری، مریم

هنر و معماری :: نشریه نگره :: بهار و تابستان ۱۳۸۵ - شماره ۲ و ۳ (ISC)

صفحات : از ۶۷ تا ۸۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1378829>

تاریخ داندود : ۱۴۰۵/۰۵/۱۴

کاربر گرامی، فایل داندود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- ویژگی های چاپ سنگی در مصورسازی کتب دوره قاجار
- تاریخچه چاپ سنگی در ایران
- تاریخ نشر کتاب در ایران (۳)
- بررسی نقش معماری در تداعی معانی و انتقال مفاهیم - معماری مسجد: سنتی یا نوآورانه -
- بررسی نقوش فرش ترکمن
- یادگارهای ماندگار: نسخه نویافته مقالات علمی و سیاسی فرصت الدوله شیرازی
- رویکرد مدولار و پیش ساختگی در مسکن انعطاف پذیر
- تاریخنگاری نادر میرزا قاجار
- گلستان ارم، پیشرو در تاریخ نگاری علمی در زبان فارسی
- تأثیر شرق شناسی بر تاریخ نگاری ایران معاصر
- بررسی نماد و نقش پرده در قالی های موزه فرش ایران
- پهنه بندی و ارزیابی زیست اقلیم انسانی استان سمنان

عناوین مشابه

- سیر تحول در طراحی و ساخت صندوق قبرهای چوبی قرن ۹ هجری قمری مرعشیان مازندران
- بررسی سیر تحول جداول علمی در نسخ خطی از آغاز دوره اسلامی تا سده نهم هجری قمری
- سیر تحول پوشش، حجاب و البسه در قرن نخست هجری
- بررسی علل تحول در مشاغل بغداد در عصر عباسی از قرن ۷ تا ۹ هجری قمری
- بررسی ویژگی های کتب چاپ سنگی مصور موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
- معرفی کتاب: گاهنامه سدگان (شیوه ی تبدیل تاریخ سده های ۱۳ و ۱۴ هجری شمسی و هجری قمری و سده های ۱۹ و ۲۰ میلادی)
- سیر تحول شعر آیینی عربی در میانه قرن های ۶ تا ۱۳ هجری قمری
- مطالعه سیر تحول تصویری براق در نگارگری ایرانی (از قرن هفتم تا سیزدهم هجری قمری)
- معرفی یک نسخه خطی از قرن ۱۳ هجری قمری
- معرفی نسخ نفیس: کتب مصور چاپ سنگی

سیر تحول مصور سازی کتب و نشریات به شیوه چاپ سنگی

(در نیمه قرن ۱۳ هجری قمری)

محسن مرانی * مریم نظری **

چکیده

چاپ سنگی (لیتوگرافی) شیوه ای از چاپ است که بر اساس خاصیت دفع متقابل آب و چربی اختراع شده است. در این شیوه هنرمند اثر خویش را به صورت معکوس بر سنگ چاپ ترسیم و یا خطاطی می کند، تا پس از چاپ به صورت صحیح مشاهده شود. چاپ سنگی در دوره محمد شاه قاجار به ایران وارد شد. در دوره سلطنت ناصرالدین شاه رواج و رونق یافت و استفاده از آن تا آخر دوره قاجاریه نیز تداوم داشت. سبک نقاشی دوره اول و دوم قاجار تا نیمه دوم سده ۱۳ هـ. ق و هم چنین عکاسی نوپای ایران در دوره ناصرالدین شاه هریک تاثیر بسیاری بر کیفیت تصاویر چاپ سنگی داشتند. به طوری که بخشی از آثار چاپی تداوم شیوه نقاشی عصر فتحعلی شاه و بخش دیگر، واقع گرایی رایج در دوران ناصرالدین شاه را به نمایش می گذارند.

در این مقاله کوشش می شود تا به چگونگی شکل گیری سبک آثار مصور سازی چاپ سنگی پرداخته شود و روابط متقابل آن با نقاشی و عکاسی متداول دوره قاجار مورد پژوهش و تحلیل قرار گیرد.

واژگان کلیدی

لیتوگرافی، چاپ سنگی، مصور سازی، عکاسی، قاجاریه

مقدمه

هر چند در مورد هنر ایرانی پژوهش های چشمگیری صورت گرفته است، ولی آخرین شیوه های هنر ایرانی متعلق به عصر قاجار که نتیجه سیر تحول هنر کهن ایرانی است، به درستی و به صورت کامل مورد پژوهش قرار نگرفته است.

حجم مطالعات پیرامون هنر ایرانی تا پیش از سده سیزدهم هجری قمری در مقایسه با پژوهش های مربوط به بعد از این تاریخ بسیار چشم گیر است. شاید هنر قاجار به دلایل متعددی مورد بی توجهی و بی مهری قرار گرفته است که مهم ترین آن، سایه افکندن معیارهای هنر نوین غربی بر آموزش های هنری دوره معاصر ایران است که در نتیجه آن هنر قاجار، هنر بی مایه و فاقد ارزش و اعتباری جلوه می کند که شایستگی لازم برای مذاقه و پژوهش را دارا نیست.

در این میان آثار مصور سازی شده کتب و نشریات بیشتر از نقاشی درباری مورد کم توجهی قرار گرفته است و این در حالیست که مجموعه آثار وسیع و متعددی از این دست که در نتیجه ورود چاپ سنگی و گسترش آن رواج یافتند، در شکل گیری فرهنگ تصویری معاصر ایران نقش بسزایی را ایفا نموده اند.

به همین سبب شناخت این آثار، مطالعه جدی و وسیعی را می طلبد که مقاله حاضر گامی کوچک در این مسیر است. عدم دسترسی وسیع و آسان به آثار چاپ سنگی که اغلب در مخازن کتابخانه های مهم کشور نگهداری می شوند، از مهم ترین مشکلات بر سر راه این پژوهش بوده است و بدیهی است که گسترش مطالعاتی این چنین، بدون همکاری و یاری چنین مراکزی غیر قابل تصور است.

پس از ورود نخستین چاپخانه های سربی در دوره صفویان و چاپ تعداد معدودی کتاب، سرانجام در دوران قاجار با ورود شیوه چاپ سنگی، چاپ کتاب به صورت وسیع میسر شد.

امتیاز شیوه چاپ سنگی، استفاده آسان از اشکال تزئینی و مصورسازی نسخه های چاپی بود که با سنت کتاب آرایی هماهنگی بیشتری داشت. بنابراین توجه و استفاده مصور سازان آثار چاپ سنگی از شیوه های تزئینی و همچنین نقاشی متداول عصر قاجار در جهت مصور سازی نشریات و کتاب های چاپی امری بدیهی است. به همین سبب

برای شناسایی سبک مصور سازی و ویژگی های هنری آثار چاپی، مطالعه سیر تحول نقاشی دوران قاجار امری ضروری می نماید. به ویژه آنکه بسپاری از این آثار توسط نقاشان برجسته دربار و در چاپخانه سلطنتی به چاپ رسیده است.

شیوه چاپ سنگی دارای ویژگی های خاص فنی است که در شکل گیری اثر هنری چاپی موثر است. به همین دلیل پس از مطالعه ویژگی های آثار چاپ سنگی مشخص می شود که مصور سازان بارزترین ویژگی های نقاشی قاجاری را در آثار خود به نمایش گذاشته اند و در حالی که آثار نقاشی دربار قاجار به سمت واقع گرایی و عینیت پردازی پیش می رود، شیوه آثار چاپ سنگی نیز به طبیعت گرایی و مستند سازی تمایل می یابد و در این راه از دست آوردهای عکاسی نیز متأثر می شود. در اینجا نقش تصاویر روزنامه ها و نشریات که به تصاویر مستندگونه نیازمند بودند، چشمگیرتر است.

سر آغاز ورود چاپ های ماشینی به ایران

گویا نخستین چاپخانه عربی و فارسی در ایران در دوره صفویه و به ظاهر بین سال های ۱۰۲۰ تا ۱۰۳۰ هـ. ق بوسیله شماری از کشیشان فرقه کرملیت در محوطه کلیسای آنان در میدان میر اصفهان دایر شد. آنان برخی از ادعیه و انکار مسیحی و سپس انجیل و تورات را با حروف سربی عربی به دو زبان عربی و فارسی چاپ نمودند. متأسفانه نمونه ای از آثار چاپ شده آنان در دست نیست. کمی بعد در سال ۱۰۴۸ هـ. ق اسقف خاچاپور کیسارآسی در کلیسای وانک جلفای اصفهان چاپخانه ای را دایر کرد و نخستین کتاب موجود چاپ ایران به نام زبور داود یا ساغوس در سال ۱۰۴۸ هـ. ق / ۱۶۳۸ م. در این چاپخانه به چاپ رسید (تصویر ۱).

این چاپخانه طی ۱۲ سال فعالیت خود ۸ کتاب به چاپ رساند و پس از آن به مدت ۳۶ سال تعطیل ماند و مجدداً پس از دو سال فعالیت به مدت ۱۸۴ سال تعطیل شد و بار دیگر در سال ۱۲۸۹ هـ. ق / ۱۸۷۲ م. دوباره دایر شد که تاکنون نیز فعالیت دارد (رائین، ۱۳۴۷).

ایرانیان در حدود یکصدوپنجاه سال اقدامی برای ایجاد چاپخانه فارسی نکردند. تا اینکه در زمان فتحعلی شاه قاجار، ولیعهد او عباس میرزا

به ایران، چاپخانه ای را در تبریز به راه انداخت. دستگاه چاپ این چاپخانه، قدیمی ترین دستگاه چاپ سربی کتابهای فارسی در ایران است. اولین کتاب چاپ شده در این چاپخانه فتح نامه نام داشت و دومین کتاب نیز با نام رساله جهادیه بین سال های ۱۲۳۸ - ۱۲۳۹ هـ. ق با حروف سربی به چاپ رسید.

چاپ سنگی هشت سال پس از چاپ حروفی به ایران آمد و در این مورد نیز باز عباس میرزا نایب السلطنه پیشقدم بود. وی در حدود سال ۱۲۴۰ هـ. ق، میرزا جعفر تبریزی را به مسکو فرستاد تا صنعت چاپ سنگی را بیاموزد و ابزار لازم را به تبریز آورد. متأسفانه هیچ نمونه چاپی از دستگاه چاپ سنگی میرزا جعفر تبریزی در دست نیست و احتمالاً این دستگاه چاپ در تبریز تنها به مدت سه الی چهار سال مشغول به کار بوده است (میرزای گلپایگانی، ۱۳۷۸).

میرزا صالح شیرازی که در آن زمان جزو اعیان و وزیران تهران شده بود، یکی از اهالی فارس با نام میرزا اسدالله شیرازی را به همین منظور به سن پترزبورگ روسیه فرستاد. به این ترتیب در تبریز به کار افتاد. اولین کتابی که میرزا اسدالله شیرازی در تبریز به شیوه چاپ سنگی به چاپ رسانید، قرآن کریم (۱۲۴۸ هـ. ق) و سپس کتاب زادالمعاد (۱۲۵۱ هـ. ق) بود (قاسمی، ۱۳۸۰). پنج سال بعد این چاپخانه به دستور محمد شاه به تهران منتقل شد. در سال ۱۲۵۹ هـ. ق نخستین کتاب مصور به شیوه چاپ سنگی در چاپخانه تبریز با نام لیلی و مجنون، مکتبی شیرازی با چهار تصویر چاپ شد.

چاپخانه سنگی طی مدت کوتاهی در تهران و سپس در اصفهان و سایر شهرهای ایران ایجاد شد. این نوع چاپ، چاپ حروفی (سربی) را با همه قدمت و سابقه به کناری زد، به طوری که صنعت چاپ سنگی به مدت ۵۰ سال یگانه روش چاپ در ایران بود و تا اواخر دوران قاجاریه هر چه در ایران چاپ می شد با چاپ سنگی بود و پس از آن مجدداً چاپ سربی رواج پیدا کرد.

فن چاپ سنگی

چاپ سنگی یک روش مختلط فیزیکی و شیمیایی است که بر اساس دفع متقابل آب و چربی اختراع شده است. چاپ سنگی یا لیتوگرافی را نمایشنامه



تصویر ۱- صفحه اول کتاب زبور داود، اولین کتاب چاپی ایران در جلای اصفهان، ۱۰۴۸ هجری قمری

دو گروه از مستعدان ایرانی را با فواصل مختلف برای آموختن فنون گوناگون به اروپا فرستاد. در میان گروه دوم که در سال ۱۲۳۰ هـ. ق به انگلستان رهسپار شدند، شخصی به نام میرزا محمد صالح شیرازی کارزاری برای آموختن فن ترجمه به این کشور فرستاده شده بود، ولی وی از فرصت استفاده کرد و در حین تحصیل، فنون چاپ، تهیه حروف و حکاکی و نحوه ساختن مرکب چاپ را آموخت. سپس او چاپخانه ای خرید و در سال ۱۲۳۵ هـ. ق. هنگام بازگشت با خود به ایران آورد و آن را در تبریز به کار انداخت. در این میان عباس میرزا نایب السلطنه در سال ۱۲۳۸ هـ. ق به هنگام بستن پیمان گلستان میان ایران و روس، ورود چند دستگاه چاپ را به روسها سفارش داد و بعد از آن نیز شخصی به نام میرزا زین العابدین تبریزی را به پترزبورگ فرستاد تا فنون چاپ و روش ساخت مرکب را بیاموزد. چهارسال بعد یعنی در سال ۱۲۴۲ هـ. ق میرزا زین العابدین تبریزی به همراه یک دستگاه پرس چاپ و مقادیری حروف سربی عربی به ایران بازگشت و سه سال پیش از بازگشت میرزا محمد صالح شیرازی از انگلیس

مرکب مخصوص چاپ که از دوده شمع و مواد چربی دار تهیه شده بود، استفاده می کردند. سنگی را که یک بار در چاپ سنگی از آن استفاده شده بود، سنگ ساب ها با روش خاصی می ساییدند تا اثرات قبلی کاملاً پاک شود سپس بوسیله اسید رقیق آن را می شستند و برای مرحله تیزاب کاری آماده می کردند. میرزا علی قلی خوئی تصویر گر دوره قاجار، در نسخه ای از کتاب *خمسۀ نظامی* به تاریخ ۱۲۶۴ هـ. ق مراحل مختلف ذکر شده در یک کارگاه چاپ سنگی را به شیوه چاپ سنگی به

نویسی آلمانی بنام آلوتیس زنه فلدر در سال ۱۷۹۶ م. مطابق با سال ۱۲۱۷ هـ. ق اختراع کرده است. در این نوع چاپ بر روی سنگ آهکی تخت و صیقلی با مواد آغشته به مرکب که محتوی صابون یا چربی بود، مطالب و یا تصاویر چاپ شدند به صورت معکوس نوشته و یا کشیده می شد. سپس روی سنگ، تیزاب می ریختند که محلول رقیقی از صمغ عربی به اضافه اسید نیتریک بود.

تیزاب قسمت هایی که آغشته به چربی نبود را حل می کرد. و بدین ترتیب بخش های آغشته به چربی برجسته باقی می ماند. سپس سنگ را با غلتک مخصوصی از جنس چرم به مرکب آغشته نموده، روی آن کاغذ قرار می دادند و نوردی را روی آن رد می کردند و با این کار اثر سنگ بر کاغذ چاپ می شد. هر سنگی که متن یا تصویری با روش چاپ سنگی بر آن نقش می بست؛ برای چاپ حدود هفتصد و پنجاه نسخه عملکرد مطلوب داشت و پس از آن، دیگر نقش روی سنگ قابل چاپ نبود.

روش چاپ سنگی در ایران این گونه بود که ابتدا متن یا تصویر مورد نظر را با مرکب چرب روی کاغذهای آهار زده با نشاسته می نگاشتند و سپس روی سنگ چاپ بر می گردانند و طبق روش معمول در چاپ سنگی، نوشتن با مرکب چرب را مستقیماً روی سنگ انجام نمی دادند. شاید دلیل این کار دقت بیشتر در ظرافت خوشنویسی یا ترسیم تصویری بود که با این روش چاپی قرار بود تکثیر شود. در یک کارگاه چاپ سنگی دوره ناصری در عهد قاجار، معمولاً کارگران و متخصصان بسیاری مشغول به کار بودند که گاه تعداد آنها به ۱۸ نفر هم می رسید.

این افراد را به دو دسته می توان تقسیم کرد: افرادی که به کار تهیه مطلب، کشیدن تصویر و آماده کردن سنگ چاپ اقدام می کردند که می توان از خطاطان، نقاشان، تذهیب کاران، سنگ تراش ها، تیزاب کاران (اسیدزن ها) نام برد و افرادی که در فرآیند چاپ به فعالیت می پرداختند که از جمله می توان به استاد چاپ، مرکب زن، کاغذگذاران، چرم گذاران، غلتک کش ها (چرخ کش ها)، کاغذبردار، لابی گذار، و تعمیرکاران اشاره کرد (میرزای گلپایگانی، ۱۳۷۸).

در چاپ سنگی، خطاطان و نقاشان در خوشنویسی و تصویرگری با استادی تمام و با



تصویر ۲- تصویرگری مراحل کار در چاپ سنگی توسط میرزا علی قلی خوئی از کتاب *خمسۀ نظامی* (۱۲۶۴ هـ. ق)

تصویر کشیده است (تصویر ۲).

نقاشی سبک قاجار در نیمۀ نخست سده ۱۳ هـ. ق

با گرد هم آمدن نقاشان دربار فتحعلی شاه قاجار در کارگاه هنری نگارستان که با حمایت و تشویق وی بنیاد شده بود، سبک رسمی نقاشی نیمۀ



تصویر ۴- کاغذ اخبار، نخستین روزنامه ایران با سر لوح شیر و خورشید

مطالب آن بر یک رویه کاغذ و در صفحات دوم و سوم به چاپ می رسید. اولین صفحه چاپ شده آن تحت عنوان الاخبار ممالک شرقیه به وقایع تهران و سایر ایالات و ولایات ایران می پرداخت و در دومین صفحه چاپ شده آن تحت عنوان الاخبار ممالک غربیه اوضاع ترکیه و اروپا شرح داده می شد. محتوای این روزنامه عمدتاً خبری بود و تنها تصویر این نشریه، نشان دولتی ایران، شیر با شمشیر و خورشید بود که در سرلوحه صفحه اول آن قرار می گرفت (تصویر ۴).

انتشار این روزنامه به مدیریت میرزا محمد صالح شیرازی کازرانی به مدت سه سال یعنی تا سال ۱۲۵۵ هـ. ق ادامه یافت و پس از آن تا آغاز دوره ناصری نشریه ای در ایران منتشر نشد.

اول قرن ۱۳ هـ. ق به حد کمال رسید. فتحعلی شاه، نقاشان بزرگی چون میرزا بابا، مهرعلی، عبدالله خان و محمد حسن خان را در خدمت خود داشت. نخستین نشانه های تولد نقاشی این دوره، در مجالس نقاشی دیواری روی گچ دیوارهای داخلی کاخ ها و سراها آشکار می شود. مشخصات عمده سبک نقاشی قاجار در نیمه اول سده ۱۳ هـ. ق عبارتند از: ترکیب بندی متقارن و ایستا با عناصر افقی وعمودی و رنگ گزینی محدود با تسلط رنگ های گرم بخصوص رنگ قرمز. در این مکتب پیکر انسان اهمیت اساسی دارد و همواره زیبایی و جلال و وقار ظاهری پیکرها ارجح تر از شبیه سازی آن هاست (روئین پاکباز، ۱۳۷۹). هنرمندان مورد حمایت فتحعلی شاه علاوه بر نقاشی پیکرنامه های یک نفری از شاه و درباریان و زنان به صحنه های جلوس و شکار و نبرد و همچنین پادشاهان و قهرمانان تاریخی و افسانه ای نیز می پرداختند. پس از مرگ فتحعلی شاه در سال ۱۲۵۰ هـ. ق شیوه پیکر نگاری درباری به راه زوال رفت (تصویر ۳).

محمد شاه مدت زیادی سلطنت نکرد (۱۲۵۰-۱۲۶۴ هـ. ق). در دوره سلطنت او اغلب سبک های سنتی دوره فتحعلی شاه در نقاشی ها تکرار شد. یکی از نقاشان دوره محمد شاه، میرزا ابوالحسن خان غفاری کاشانی (صنیع الملک) است. او از شاگردان مهرعلی بود که در دوره محمد شاه برای هنرآموزی و آشنایی یافتن با چاپ سنگی در حدود سال ۱۲۶۲ هـ. ق به ایتالیا فرستاده شد.

شکل گیری روزنامه های مصور به شیوه چاپ سنگی

نخستین تصویر مندرج در مطبوعات ایران، نشان دولتی عهد قاجار است و این نشان در اولین روزنامه به مفهوم امروزی، مشهور به کاغذ اخبار به صورت چاپ سنگی آورده شده است. چاپ و انتشار این اولین روزنامه فارسی در ایران در سال چهارم حکومت محمد شاه (روز دوشنبه ۲۵ محرم سال ۱۲۵۳ هـ. ق) توسط میرزا صالح شیرازی و در تهران انجام گرفت. این نشریه با صوابدید محمد شاه و موافقت دولت به صورت ماهیانه منتشر می شد. کاغذ اخبار بر روی دو ورق بزرگ از کاغذ خانبالغ به قطع ۲۴×۴۰ سانتی متر چاپ سنگی می شد. صفحه اول و چهارم این روزنامه سفید بود و

مطبوعات داخلی در عهد ناصرالدین شاه دولتی بودند و تا دوره مظفری که گشایشی در فضای مطبوعاتی بوجود آمد، کسی قادر به کسب مجوز انتشار نشریه در بخش خصوصی نبود (قاسمی، ۱۳۷۹).

لازم به ذکر است که در عهد ناصری تمام نشریات به جز سه نشریه زاهر یرادی باهرا، لاپاتری، اکودوپرس با چاپ سنگی طبع می شدند و تنها این سه نشریه چاپ حرفی بودند.

در سومین سال سلطنت ناصرالدین شاه به همت امیرکبیر اولین شماره روزنامه ای با نام روزنامه اخبار دارالخلافه طهران در روز جمعه پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷ هـ. ق منتشر شد. سر لوحه این نشریه که حدود نیمی از صفحه نخست را در برگرفته شامل شیر شمشیر به دست و خورشید است. در دو سوی این سرلوحه دو درخت ترسیم شده است که در حاشیه آنها گل و بوته و درخت های کوچکتر دیده می شود. این روزنامه فقط در یک شماره منتشر شد و مطالب آن مربوط به اخبار

دربار شاه بود. روزنامه مذکور در دومین شماره خود به وقایع اتفاقیه تغییر نام داد و با نظر امیرکبیر قرار شد که در سطح وسیعتری اخبار داخله و خارجه در آن منعکس شود. مطالب آن علاوه بر اخبار، شامل مقالات سودمند علمی هم بود. این روزنامه به صورت هفتگی در چهار صفحه و گاهی نیز در هشت صفحه و به ندرت در ۱۲ صفحه به قطع رحلی نیم ورقی یعنی ۳۰/۵×۱۷ سانتی متر با کاغذ ساخت اصفهان و به تیراژ ۶۰۰ الی ۷۰۰ نسخه انتشار می یافت.

جمعا ۴۷۱ شماره از آن منتشر شد که از آن جمله ۴۱ شماره آن در عهد صدارت امیرکبیر بود. نشان دولتی قاجار که شیر شمشیر به دست و خورشید است در سرلوحه نشریه وقایع اتفاقیه هم دیده می شود (تصویر ۵).

تا شماره ۶۳ این نشریه به تاریخ ۲ رجب ۱۲۶۸ هـ. ق به جز این نشان هیچ تصویر دیگری در آن دیده نمی شود. ولی از ویژگی های سال دوم انتشار آن چاپ تصویر است. روزنامه وقایع



تصویر ۶- صفحه نخست روزنامه دولت علیه ایران با نشان شیر شمشیر بدست و خورشید، شماره ۵۷۴

تصویر ۵- صفحه نخست روزنامه وقایع اتفاقیه با نشان شیر و خورشید، ۱۲۷۲ هـ. ق



تصویر ۸- صورت میرزا محمد رضا مستوفی در شماره ۵۰۲ دولت علیه ایران، صنایع الملک ۱۲۷۸ هـ. ق



تصویر ۷- صورت میرزا کاظم خان و میرزا داود خان، در شماره ۵۰۶ روزنامه دولت علیه ایران، صنایع الملک ۱۲۸۷ هـ. ق

صفحه به قطع رحلی ۱۹×۲۵ سانتی متر در چاپخانه سنگی دولتی چاپ و منتشر شد. سرلوح این روزنامه نیز نقش شیر و خورشید بود که در هر شماره، نقاشی آن تجدید می شد (تصویر ۶). روزنامه دولت علیه ی ایران تا شماره ۶۸ (هفتم شوال ۱۲۸۷ هـ. ق) و تا مدتی پس از فوت صنایع الملک (۱۲۸۳ هـ. ق) نیز منتشر و سپس تعطیل شد. در این روزنامه علاوه بر اخبار درباری، تصاویر بسیار نفیس و اعلاء از شاهزادگان و حکام و رجال و شخصیت های درباری و سیاسی آن دوره و مناظر عمارات و کاخ های تهران و برخی از وقایع و اتفاقات چاپ شده که در نوع خود بی نظیر است (تصویر ۷).

در مطالب این روزنامه اخبار دارالخلافه و شهرهای دیگر ایران و مختصری از اخبار ممالک خارجه درج می شد و گاه نیز ذکر وقایع مربوط به شاه، شکار او و بازدیدهایش از مؤسسات و اشخاص درباری و دادن القاب و فرامین و عطایایش به اشخاص مختلف می آمد. روزنامه دولت علیه

اتفاقیه پس از قتل امیرکبیر تا شماره ۴۷۱ با همین نام به چاپ می رسید تا اینکه بر اساس حکمی از سوی ناصرالدین شاه نظارت عالی به مطبوعات دولتی و امور چاپخانه های ایران که بخشی از اداره انتظامات بود و همچنین چاپ کتب به میرزا ابوالحسن خان غفاری (صنایع الملک) سپرده شد. در پی این مسئولیت جدید، اداره امور چاپ و انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه نیز به وی واگذار شد و شاه از او خواست که روزنامه مزبور را به صورت آبرومندانه تری منتشر سازد. ابوالحسن غفاری که در سفر خود به اروپا، در امور چاپ لیتوگرافی نیز اطلاعات مفیدی کسب کرده بود، نشان دولتی سرلوحه شماره ۴۷۰ روزنامه را ترسیم نمود و هفته بعد با شماره ۴۷۱ این روزنامه که تغییر نام داده و با عنوان روزنامه وقایع اتفاقیه انتشار یافت؛ عملاً کارش را آغاز کرد. این روزنامه بار دیگر در شماره ۴۷۲ (پنج شنبه ۱۹ صفر ۱۲۷۷ هـ. ق) تغییر نام داد و به روزنامه دولت علیه ایران مبدل شد. نخستین شماره دولت علیه ایران در چهار



تصویر شماره ۹- صورت جلوس ناصرالدین شاه در تلگرافخانه
، شماره ۴۸۲ دولت علیه ایران، ۱۲۷۷ هـ ق

ایران تا شماره ۵۵۰ به مدیریت و طراحی میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی منتشر گردید. مهارت میرزا ابوالحسن در فن نقاشی و رای ناصرالدین شاه برای باسمة تصویر سبب تحول در شکل روزنامه و همچنین تصویر و تصویرگری در مطبوعات ایران شد. هنوز نه ماه از آغاز انتشار این روزنامه نگذشته بود که سعی و مهارت ابوالحسن خان نقاشباشی در تغییر وضع و نفاست طبع آن، منظور نظر ناصرالدین شاه قرار گرفت، به طوریکه او را به اعطای لقب صنّیع الملک و خلعت و انعام شایسته تشویق، ترغیب نمود. صنّیع الملک به مدت ۶ سال یعنی تا پایان زندگیش به انتشار روزنامه و اداره امور دارالطباعة ادامه داد. امروزه هر قطعه از چاپ نقشهای سیاه قلم و چهره پردازی های دقیق و قلمگیری های نافذ او در این روزنامه از نظر تاریخ هنر و نقاشی ایران و صنعت چاپ اهمیت و ارزشی بسیار دارد. تصاویر اشخاص در این روزنامه بیشتر صورت کسانی است که در آن شماره به مناسبتی و یا بواسطه خدماتی که کرده و پاداش هایی که گرفته اند ذکری از ایشان رفته است (تصویر ۸).

بخشی دیگر از تصاویر دولت علیه ایران به تشریفات درباری اختصاص دارد. نظیر مجلس سلام، سان دیدن ناصرالدین شاه، مجلس خلعت پوشان شاهزادگان و دیگر مجالس. گاه نیز حضور ناصرالدین شاه در برخی امکان برای بازدید به تصویر کشیده شده است. حضور ناصرالدین شاه در میدان اسب دوانی و جلوس ناصرالدین شاه در



تصویر شماره ۱۰- صورت مجلس قصاص، شماره ۵۰۴
دولت علیه ایران، ۱۲۷۸ هـ ق

تلگراف خانه، از آن جمله اند (تصویر ۹). شکار و شکارگاه که میان شاه و درباریان مرسوم بوده، از دیگر تصاویر این روزنامه اند. علاوه بر این ها در ضمن خبری از یک اتفاق، تصویر آن حادثه نیز به مدد تخیل و خلاقیت بسیار صنّیع الملک با مهارت ترسیم شده است: معجزه ای در بقیعه، واقعه ای در استرآباد، به دنیا آمدن بره و گوساله دو سر و صورت مجلس قصاص تصاویری از این گونه اند (تصویر ۱۰). متأسفانه وضع روزنامه پس از مرگ صنّیع الملک در سال ۱۲۸۳ هـ ق دگرگون گردید و نقش شیر و خورشید در سر لوح آن به صورت بچه گانه و زشتی در آمد و تعداد تصاویر آن نیز کاهش یافت و طرح تصاویر هم بسیار ضعیف می نمود.

از جمله چاپخانه هایی که در زمان ناصرالدین شاه بوجود آمد چاپخانه های کوچک و سیاری بود که در سفرهای ناصرالدین شاه به همراه اردوی سلطان حرکت می کرد. در این چاپخانه ها روزنامه هایی با شرح وقایع روزانه مسافرت شاه و گفتگوی او با ملتزمین رکاب و دیگر دیدنی های او در



تصویر ۱۲- تصویر یکی از شاهزادگان و صاحب منصبان ، دربار شاه ، چهره نظام الملک اثر ابوتراب ، روزنامه شرف ، ۱۳۰۳ هـ. ق.



تصویر ۱۱- سردار یعقوب خان ، حاکم هرات افغانستان اثر میرزا بزرگ غفاری روزنامه حکیم الممالک ۱۲۸۶ هـ. ق

شرف بود. نخستین شماره این روزنامه در اول محرم سال ۱۳۰۰ هـ. ق منتشر شد. این روزنامه مصور زیباترین روزنامه دوره ناصرالدین شاه است که تا سال ۱۳۰۹ هـ. ق، ۸۷ شماره از آن به قطع رحلی بزرگ و با خط نستعلیق میرزا رضا کلهر در چهار صفحه و با کاغذ بسیار عالی به چاپ می رسید. در هر شماره این روزنامه دو تصویر به شیوه چاپ سنگی ترسیم می شد. بیشترین تصاویر این روزنامه از رجال و شخصیت های مهم داخلی و خارجی بود که همراه این تصاویر؛ مختصری از احوال آنها نیز نگاشته می شد. مسئولیت تصویرگری این نشریه در ابتدا بر عهده ابوتراب غفاری بود ولی پس از خودکشی او در سال ۱۳۰۷ هـ. ق این مسئولیت به میرزا موسی ممیز سپرده شد و او از شماره هفتاد و پنجم این روزنامه ، کار مصور سازی را انجام می داد. میرزا ابوتراب غفاری کاشانی از تصویر گران مبتکر عهد ناصری بود. بخشی از تصاویر این روزنامه اختصاص به شاه و شاهزادگان دارد و بخش دیگری نیز مربوط به صاحب منصبان دربار شاه می باشد (تصویر ۱۲).

سفرهایش چه در ایران و چه در فرنگستان چاپ سنگی می شد. از جمله روزنامه هایی که در این چاپخانه هر چند روز یکبار چاپ می شدند عبارتند از : روزنامه مرآت السفر و مشکوه الحضر (۱۲۸۸ هـ. ق) ، روزنامه اردوی همایون (اولین شماره ۱۱ شعبان ۱۳۰۰ هـ. ق و آخرین شماره ۱۲ ذی الحجه ۱۳۰۰ هـ. ق) و مجموعه سیاحت نامه مصور (سال ۱۳۰۰ هـ. ق). روزنامه اردوی همایون و همچنین مرآت السفر و مشکوه الحضر تنها در سر لوح تصویر داشتند. نمونه چاپی دیگر از این نوع چاپخانه مجموعه یا سفرنامه سفر اول ناصرالدین شاه به خراسان است که بعدها به روزنامه حکیم الممالک مشهور شد. این سفرنامه که ذکرو قایع و یادداشت های روزانه سفر ناصرالدین شاه به خراسان است (۱۵ ذی الحجه ۱۲۸۳ هـ. ق تا ۲۳ ذی الحجه ۱۲۸۳ هـ. ق) در ۴۸۵ صفحه به قطع وزیری چاپ سنگی شده است. تصاویر این روزنامه یا سفرنامه توسط میرزا بزرگ غفاری ترسیم شده است (میرزای گلپایگانی ، ۱۳۷۸) (تصویر ۱۱). از دیگر نشریات مهم عهد ناصری روزنامه



تصویر ۱۳- شماره بیستم روزنامه شرافت ، تصویر صدر اعظم دولت علیه ایران ، اثر مهدی خان مصورالملک ، روزنامه ۱۳۱۴ هـ. ق

تصاویر دیگر هم یا اختصاص به رجال و صاحب منصبان کشورهای خارجی دارد و یا مختص افراد و رجال صاحب کمال می باشد. عمده ای از تصاویر نیز طرح هایی از اماکن تاریخی و عمارت ها و کاخ های درباری و شاهنشاهی هستند. اما گهگاه تصاویر متفرقه هم در این روزنامه دیده می شود مثل تصویر مجسمه ناصرالدین شاه سوار بر اسب ، پلنگ شکار شده و تصویر مدرسه نظامی ناصری. روزنامه های دولتی عهد مظفرالدین شاه یا دنباله روزنامه های عهد ناصری بودند و یا تقلیدی از آن ها. یکی از این دست روزنامه ها، شرافت است که به تقلید از روزنامه شرف منتشر می شد. البته این روزنامه از حیث زیبایی نقاشی و چاپ به پای روزنامه شرف نمی رسد. امتیاز هر دو روزنامه شرف و شرافت مصور بودن آنهاست. تصاویر روزنامه شرافت توسط میرزا مهدی خان مصور الملک به شیوه سیاه قلم به چاپ می رسید. بخش عمده این روزنامه همچون شرف اختصاص به شرح حال بزرگان ایران و جهان داشت و ضمن

شرح حال هر بزرگی، تصویر او نیز به چاپ می رسید (تصویر ۱۴). این روزنامه در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه در سال ۱۳۱۴ هـ. ق منتشر شد و مجموعاً ۶۶ شماره از آن در مدت ۶ سال انتشار یافت.

شکل گیری کتاب های مصور چاپ سنگی در دوره قاجار

دوره کتاب های خطی با آمدن صنعت چاپ به ایران تقریباً به پایان رسید. ولی مصوران کتاب همچنان در صدد آراستن کتاب با تصاویر بودند. در آغاز پیدایش نخستین صنعت چاپ در ایران یعنی چاپ سربی، فن گراور و گراورسازی نیز در پی آن رواج پیدا کرد.

با این روش یعنی حکاکی روی چوب تصاویر کتابها برای چاپ سربی ساخته می شد. در دوره اول چاپ سربی در ایران (سال های ۱۲۳۳ تا ۱۲۶۹ هـ. ق) به سبب دشواری های حروف ریزی و همچنین سختی کنده کاری تصاویر روی چوب که احتیاج به مهارت بسیار داشت، چاپ سربی اندکی بعد به کناری گذاشته شد و جای خود را به چاپ سنگی داد. چایی که در آن حتی تصاویر زیباتر و مورد پسندتر بود. یقیناً به سبب همین دشواری ها و صرف وقت زیاد برای ساختن تصاویر کتاب های چاپ سربی ، در میان ۳۰ کتابی که از آغاز بنیاد گذاری چاپخانه سربی تا سال ۱۲۷۰ هـ. ق در شهرهای تبریز و اصفهان و تهران به چاپ رسیده اند، تنها یک کتاب به نام مختارنامه یا روضه المجاهدین به شکل مصور در سال ۱۲۶۱ هـ. ق در تهران منتشر شد.

پیش از ورود صنعت چاپ به ایران، کتاب های فارسی در کشورهایی مانند هندوستان، عثمانی، مصر و برخی از شهرهای اروپا منتشر شد. در هند به ویژه در بمبئی چاپخانه چاپ سنگی فقط کتاب های فارسی را به چاپ می رساندند. این چاپخانه ها تا پایان گسترش چاپ سنگی در ایران به کار خود ادامه دادند. کتاب های مصور چاپ بمبئی به زبان فارسی، نخستین آثار مصور چاپ سنگی بودند که به ایران وارد شدند. با آمدن چاپ سنگی که ۸ سال پس از چاپ سربی بود، کمابیش همه کتاب ها با چاپ سنگی منتشر می شدند. در چاپ سنگی ، نقاش می توانست با مرکب چاپ تصاویرهای زیبایی بسازد و به آسانی آنها را بر روی سنگ و سپس بر روی



تصویر ۱۵- خسرو و شیرین از کتاب خمسه نظامی، چاپ سنگی، مرقوم میرزا قلی خان خوئی، ۱۲۶۴ ه. ق.

بسیار آثار نثر و نظم دیگر در دوره ناصرالدین شاه به چاپهای مصور متعدد منتشر می شدند. تصویر گری کتاب به شیوه چاپ سنگی، خود زمینه تازه، اگر چه کم ارزشتری برای هنر نمایی نقاشی قاجار و البته این بار روی لوح سنگی چاپ بوجود آورد و در واقع ادامه همان روند نقاشی قاجار، منتها به صورت سیاه و سفید بود. تعدادی از تصاویر چاپی را به خصوص در ارتباط با متون ادبی کلاسیک، هنرمندان و مصوران درجه یک انجام می دادند. یکی از پرکارترین آنها علیقلی خویی بود.

میرزا علیقلی خویی از صورتگران مجلس ساز دوره ناصری به شمار می آمد. شیوه نقاشی او با طراحی و ادراکی نه چندان قوی و گاه با نیروی تخیل و طنز پردازی پر توان مبتنی است بر آنچه که نقاشان در بار فتحعلی شاه انجام می دادند. از آثار نفیس و رقم دار این هنرمند، برخی از تصاویر نخستین شاهنامه چاپی در ایران دوره ناصری است که در سال ۱۲۶۷ ه. ق به خط نستعلیق و به شیوه چاپ سنگی در ۹۵۰ صفحه منتشر شد.

از دیگر کتاب های ادبی کلاسیک با مصورسازی علیقلی خویی، خمسه حکیم نظامی گنجوی است که در تاریخ ۱۲۶۶ ه. ق به چاپ رسیده است (تصویر ۱۵).

از دیگر تصویر گران زیر دست کتاب های چاپ سنگی دوره ناصری، مصطفی بود. کتاب



تصویر ۱۴- تصویری از کتاب لیلی و مجنون، مکتب شیراز، نخستین کتاب مصور چاپ سنگی، ۱۲۵۹ ه. ق.

کاغذ بیاورد. خوشنویس نیز می توانست با خطی زیبا، نسخه های پر شماری به دست خوانندگان برساند. صنعت چاپ سنگی و به ویژه چاپ سنگی مصور در سالهای ۱۲۷۰ تا ۱۳۰۰ ه. ق در اوج شکوفایی خود بود (محمدی و قایینی، ۱۳۸۰).

نخستین کتاب چاپ سنگی مصور در ایران لیلی و مجنون مکتبی شیرازی شاعر معروف شیراز بود که در سال ۱۲۵۹ ه. ق در چاپخانه تبریز منتشر شد (تصویر ۱۴). این کتاب چهار تصویر دارد که مطابق معمول آن زمان پس از چاپ با دست رنگ شده اند. تصویرهای این کتاب متأثر از نقاشی های رنگ روغن دوره نخست قاجار است و در ترکیب بندی آنها، بخش بندی های عمودی و افقی به شیوه سنتی مشاهده می شود. ولی این تصاویر بر خلاف نقاشی های نیمه اول دوره قاجار آرایه و تزئینی ندارند.

کتاب های چاپ سنگی که از نیمه دوم سده ۱۳ ه. ق در ایران رخ نمودند، بیشتر کتاب های داستانی کوچک و مردم پسندی بودند که اغلب نیز تصاویر ضعیف و ناشیانه ای داشتند. اما این تصاویر با وجود ضعف، سادگی و گیرایی خود را داشتند. نمونه های بهتر کتاب های چاپ سنگی مربوط به کتاب های ادبی کلاسیک بود. متون کلاسیک ادبیات فارسی نظیر شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، کلیله و دمنه، بوستان سعدی و چه



تصویر ۱۶- مجلسی از کتاب شاهنامه مرقوم مصطفی ،
چاپ سنگی، ۱۳۰۸ هـ.ق

شاهنامه چاپ سال ۱۳۰۸ هـ. ق به دست او به شیوه طبیعت گرایانه مصور شده است (تصویر ۱۶). یکی از جالب ترین نمونه های چاپ سنگی مصور مربوط به یکی از چاپ های خمسه نظامی است که در ماه رجب ۱۳۰۱ هـ. ق به چاپ رسیده است. این کتاب گذشته از ۱۲ سرلوح درآغاز هر بخش، ۵۰ مجلس تصویر دارد که در بیشتر آنها رقم عمل مصطفی دیده می شود. این تصاویر رقم دار تاریخ های ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ هـ. ق را برخود دارند. (نفیسی، ۱۳۲۷) مصطفی، سیاه قلم کار گمنام عهد ناصری بود و اغلب تصاویر کتاب های آن دوران را می ساخت. این هنرمند علاوه بر تصویر سازی، تشعیر و تزئین سرلوحه های چاپی کتاب ها را به ظرافت انجام می داد.

به تدریج درکنار فعالیت های چاپخانه های درباری و دولتی، کارگاه های چاپ مستقل از این چاپخانه ها نیز تأسیس شدند. به این ترتیب امکان نشر کتاب با شمار بسیار و همچنین امکان دسترسی توده های مردم به آنها فراهم شد. در این چاپخانه ها از کتاب های کوچک و ارزان قیمت مکتب خانه ای تا کتاب هایی که از کیفیت چاپ و صحافی بالاتری برخوردار بودند، منتشر می شد. با گسترش چاپخانه های خصوصی، کارگاه های خصوصی نیز برپا شدند و بر شمار نقاشان و خوشنویسان در این کارگاه ها نیز افزوده شد. بسیاری از کارگاه های خصوصی برای مصور

کردن کتاب ها از تصویر گران غیر حرفه ای و ناآزموده یاری می گرفتند. از این رو کیفیت این آثار در سنجش با تصویر کتاب هایی که تصویرگران حرفه ای در کارگاه های درباری و دولتی پدید می آوردند، بسیار پایین بود. تصویرگران غیر حرفه ای با الهام از نقش مایه های عامیانه پرده ها و نقاشی های پشت شیشه و تأثیر پذیری از طبیعت نگاری فراگیر آن زمان، کتاب های دلخواه مردم را نقش می زدند. این آثار بیشتر افسانه ها و داستان های عامیانه، روایت های مذهبی، زیارتنامه ها و توبه نامه ها و کتاب های ورقی برای کودکان مکتب خانه ای بودند. (نفیسی، ۱۳۳۷).

شیوه ترسیم از روی عکس در دوره ناصری و بعدتر پس از ورود عکاسی به ایران بسیار رایج شده بود و همین شیوه در تصویر سازی برخی کتب دوره ناصرالدین شاه همانند تصویر سازی روزنامه های آن دوره به کار رفت. با رواج عکاسی در ایران، تصویر پردازی چاپی مطلوبی پا گرفت. هنرمندان به جای مداد رسامی از مداد تخت طراحی استفاده می کردند. این کار به آن ها فرصت داد تا سایه روشن را ایجاد کرده و چهره را همسان عکس در آورند (فلورا و دیگران، ۱۳۸۱).

ابوتراب غفاری که به نقاشی تک چهره علاقه



تصویر ۱۷- چهره مستوفی الممالک، در جلد دوم مرآت البلدان،
چاپ سنگی، اثر ابوتراب، ۱۲۹۵ هـ. ق

در جلد دوم مرآت البلدان که به تاریخ ۱۲۹۵ هـ. ق به چاپ رسیده، چهره ای از مستوفی الممالک به توسط ابوتراب ترسیم شده است (تصویر ۱۷). ابوتراب برای طراحی آن از عکسی کمک گرفته که میرزا یوسف مستوفی الممالک را در کنار فیروز میرزا فرمانفرما نشان می دهد (تصویر ۱۸). علاوه بر صورت سازی، تصاویر اماکن تاریخی و مذهبی نیز از روی عکس ها تهیه می شد. تصویر ایوان و صحن مسجد سمنان و نمای شهر یکی از تصاویر موجود در کتاب سفرنامه ناصرالدین شاه به خراسان می باشد که به توسط ابوتراب غفاری از روی یکی از عکس های عبدالله قاجار عکاس دربار ناصرالدین شاه طراحی شده است (تصویر ۱۹).

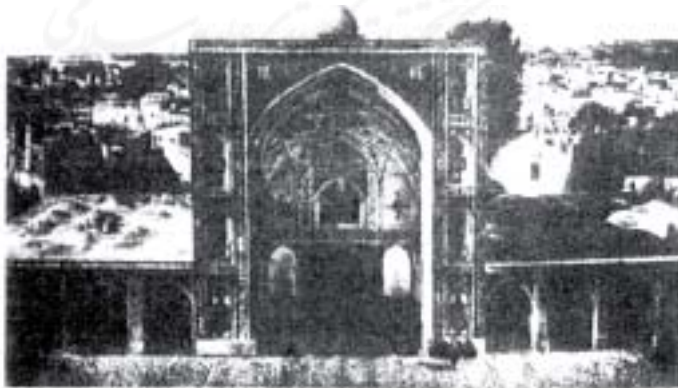


۱۸- عکسی از مستوفی الممالک در کنار فیروز میرزا فرمانفرما

ویژگی های تصویرسازی و صفحه آرایی در روزنامه ها و کتاب های چاپ سنگی

با ورود صنعت چاپ به ایران تغییراتی در نحوه و شیوه تصویرسازی پدید آمد که مهمترین آن ها عبارتند از : ۱- در مصورسازی کتب خطی ظرافتی وجود داشت که در کتاب های مصور چاپ سنگی به اجبار از این ظرایف کاسته شده بود. ۲- در تصویر سازی نسخ خطی همه عناصر دیداری همچون خط، رنگ، نقطه و سطح به کار گرفته می شدند اما در کتاب های چاپ سنگی به سبب محدودیت تکنیکی، عنصر فراگیر در تصاویر، خط و گاه نقطه بود و با

فراوانی داشت، از هنرمندانی بود که در ترسیم چهره رجال درباری در روزنامه ها و کتاب های آن دوره از همین شیوه متابعت می کرد. یکی از کتاب هایی که تصاویر تک چهره های وی از رجال و درباریان به شیوه چاپ سنگی ترسیم شده، کتاب مرآت البلدان ناصری است که در چهار جلد به چاپ رسیده است



تصویر ۱۹- اثر چاپ سنگی از ایوان و صحن مسجد سمنان و نمای شهر، ابوتراب غفاری، در کتاب سفرنامه ناصرالدین شاه به خراسان، ۱۲۰۶ هـ. ق.

۱- عبدالله میرزا قاجار در سال ۱۳۰۰ هـ. ق پس از بازگشت از اروپا، مأمور عسکریاری از نواحی خراسان شده بود (مراثی، ۱۳۷۹).



تصویر ۲۰- روستایی احقر در مسجد، تصویری از کتاب پریشان قاتی، چاپ سنگی، ۱۲۶۱ هـ. ق.

خط و سطح و شکل، فضای تصاویر چاپ سنگی ساخته می شد. در این آثار برای نشان دادن سایه روشن و ایجاد سه بعد نمایی در عناصر تصویر، از تکرار خطوط در کنار هم استفاده می شد. ۴- ویژگی آشکار تصاویر چاپ سنگی، سیاه و سفید بودن آن ها است که گاه این تصاویر پس از چاپ شدن به وسیله دست رنگ آمیزی می شدند. ۵- نحوه قرار گیری تصویر در کتاب های چاپ سنگی نیز بدین صورت بود که یا در داخل متن و همراه با نوشته های کتاب بود و یا تمام یک صفحه به یک یا چند تصویر اختصاص می یافت. تصاویر میان متن هم گاه در داخل کادر بودند و یا بی اینکه در کادری محاط باشند، تصویر میان نوشته ها ترسیم می شد (تصویر ۲۰). ۶- در برخی کتاب های چاپ سنگی، نام شخصیت های موجود در تصویر، کنارشان آمده است. این شیوه معرفی افراد در تصویر به بیننده، اغلب در آثار نقاشی دوره فتحعلیشاه قاجار نیز مشاهده می شده است. ۷- در تصاویر کتب چاپ سنگی و مجلس سازی

های آن، با توجه به حذف اجباری رنگ، بر سادگی طرح تأکید شده و در عوض بر قدرت طراحی و بیان تصویری آن افزوده شده است. تزئینات لباس و فضا و بنا در این آثار بر خلاف نقاشی های نیمه اول دوره قاجار محدود یا خلاصه شده اند. ۸- در بیشتر تصویرهای کتب چاپ سنگی تاثیر سطح نمایی نگارگری سنتی ایران به وضوح مشاهده می شود. البته ژرفنمایی و حجم نمایی که از ویژگی های تاثیر بخش نقاشی غربی بر نقاشی های دوره قاجار است، گاه در برخی تصاویر چاپ سنگی هم به چشم می خورد.

شکل گیری سبک آثار تصویری چاپ سنگی

تصویرهای چاپ سنگی دوره قاجار را به لحاظ منابع الهام می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: ۱- تصویر های متأثر از نقاشیهای نیمه اول سده سیزدهم هجری قمری در دوره قاجار ۲- تصویرهای متأثر از نقاشی های نیمه دوم سده ۱۳ هـ. ق و همچنین عکاسی نوپای ایران.

تصاویر چاپ سنگی متأثر از رنگ روغن های دوره اول قاجار در قرن ۱۲ هـ. ق از سال ۱۲۵۹ تا حدود سال ۱۲۷۷ هـ. ق را در بر می گرفت و همزمان با آغاز نقاشی دوره دوم قاجار بود. طراحی و تا حدودی ترکیب بندی تصویرهای چاپ سنگی این گروه بیشتر متأثر از نقاشی های دوره نخست قاجار بود. شخصیت ها در این تصاویر چهره های بی تفاوت و بدون حالت دارند و در قیاس با نقاشی های نیمه نخست دوره قاجار، آرایه ها و تزئینات تصویرهای چاپ سنگی کمتر بود. با آغاز تصویرگری کتاب های چاپ سنگی متأثر از نقاشی دوره اول قاجار، دوران مصور سازی کتب شعری بزرگ پارسی نیز آغاز گردید و مجالس رزم و بزم و شکار که در رنگ روغن های دوره نخست قاجار هم مشاهده می شد، موضوع معمول در تصاویر چاپ سنگی دیوان اشعار بود.

تصاویر چاپ سنگی متأثر از دوره نخست نقاشی قاجار، گاه ارزش های تصویری نگاره های مکتب شیراز و تیموری را به یاد می آورند. این ویژگی ها عبارتند از: قرار گرفتن پیکره ها و سواران به صورت مورب در تصویر، بعد نمایی با قرار دادن تصاویر در پس یکدیگر در سطوح مختلف، بالارفتن خط افق به معنای کم شدن سطح آسمان و بیشتر شدن سطح زمین، هیکل هایی درشت و نیرومند با



تصویر ۲۲- صورت همایون در قورخانه ، روزنامه دولت علیه ایران ، شماره ۴۷۵ ، سال ۱۳۷۷ ه.ق. تصویرگر، صنیع الملک



تصویر ۲۱- عمر و ابن عبود و ابوسفیان ، افتخارنامه حیدری، تصویرگر ،میرزا نصرالله ، دوره ناصری

ای و یا حماسی و تاریخی را با آرایش و پوشش قاجاری به تصویر کشیده است (تصویر ۲۱). در برخی از تصاویر این گروه ، هیکل ها در هر سه پلان جلو، میانه و عقب ، بدون توجه به دوری و نزدیکی ، یکسان ترسیم شده اند و گاه حتی شخصیت های اصلی تصویر بدون در نظر گرفتن جایگاه آنان در تصویر ، بزرگتر از شخصیت های دیگر ترسیم می شوند. به نظر می رسد بزرگ نمای شخصیت های اصلی در آثار چاپ سنگی، ویژگی است که نشانگر تداوم سنت تناسبات مقامی در هنر ایران و از آثار مربوط به دوران فتحعلی شاه به عاریت گرفته شده است. در تصاویر چاپ سنگی گروه نخست اهمیت پرسپکتیو همانند اهمیت آن در نقاشی های نیمه اول دوره قاجار است. معمولاً در منظره سازی ها، پرسپکتیو تا حدودی رعایت شده اما در بدنسازی ها صرفاً به سایه زدن های جزئی اکتفا شده است.

اما در کل همگی اجزا همانند نگارگری ایرانی در سطح قرار دارند. معمولاً سایه ها در این گروه تصاویر چاپ سنگی به نحوی زده می شود که گویا

سرهایی بزرگ ، قلم گیری به دور از ظرافت ، ترسیم بخش کوچکی از تصویر در خارج از کادر محاط، بی حالت بودن چهره ها، آزادی در حرکت آدم ها و تنوع در طراحی پیکره ها، پوشاندن زمینه کار با گیاهان و بوته ها، واقع گرایی در طراحی حیوانات و درختان و گاه گل ها و استفاده نسبی از طبیعت گرایی تا حدی که از هدف اصلی یعنی تزیین جدا نشود.

در بیشتر تصاویرهای چاپ سنگی تحت تاثیر دوره نخست نقاشی قاجار ، حجم نمایی بسیار ضعیف است و دو بعد بینی نگارگری اغلب بر آن ها چیرگی دارد و تنها گاه برای ایجاد تاریکی و روشنی از هاشور استفاده می شود که شیوه ای غربی و متأثر از گراورهای اروپایی است.

برخی از تصاویر کتاب های چاپ سنگی این گروه دارای تقسیم های عمودی و افقی هستند که با تأثیر از چنین ترکیب بندی هایی در نقاشی دوره نخست قاجار، به انجام رسیده اند. در بسیاری از کتاب های چاپ سنگی این گروه، تصویر گر با به کارگیری اصل همزمانی، شخصیت های افسانه

منع نور از رویه روست.

تصاویر چاپ سنگی گروه دوم که تحت تاثیر نقاشی طبیعت گرای دوره دوم قاجار بود، همزمان با ایجاد روزنامه های دولتی و چاپ سفرنامه های ناصرالدین شاه بسیار مورد توجه قرار گرفت و دلیل آن، نیاز به تصاویری مستند در هر دو مورد بود. تصاویر چاپ سنگی گروه دوم که برگرفته از نقاشی های دوره دوم سده ۱۳ هـ. ق و همچنین عکاسی بودند به سه دسته صورت سازی ها، منظره سازی ها و رویداد نگاری ها تقسیم می شوند. شاه و شاهزادگان و رجال و اشراف و سفرا و درباریان، شخصیت های اصلی پرتره های این دوره بودند. طراحی چهره ها در این گروه همچون نقاشی های دوره دوم قرن ۱۳ هـ. ق با توجه به شکل طبیعی بدن انسان کار می شد و چهره نگاری ها مستقل و جدا از متن و بدون هیچ شکل اضافی در پیرامون آن، تصویر می شدند.

مشابهت بسیار این تصاویر به عکس، احتمال نقاشی از روی عکس را بیشتر می کند. برای همانند سازی این تصویرها با طبیعت، در آن ها سایه ها و سطح های خاکستری بسیار به کار رفته است. شیوه اروپایی صورت سازی و منظره سازی روز به روز در تصاویر دوره ناصرالدین شاه بیشتر دیده می شود، به خصوص در روزنامه های دولتی همانند دولت علیه ایران، شرف و شرافت... که اصولاً شیوه تصویر سازی آنها غربی و یا ملهم از غرب است. افزون بر دو موضوع چهره سازی و منظره، نقاشی وقایع و رویدادها که حالت روایتگری داشت به جای عکس های خبری در روزنامه ها به کار گرفته می شد (تصویر ۲۲). نظیر این تصاویر در تابلوهای آبرنگ دوره دوم نقاشی قاجار نیز وجود داشت. در این تصاویر طبیعت سازی و اصول پرسپکتیو کمتر به کار برده شده و خط بیشتر از سایه اهمیت دارد.

چهره های سه رخ با سایه کم و خطوط منحنی، این تصاویر را به نقاشی سنتی ایران نزدیک کرده است. تصویرهای چاپ سنگی متأثر از دوره دوم نقاشی های قاجار از سال ۱۲۷۷ تا حدود سال ۱۳۱۵ هـ. ق یعنی دوره سلطنت ناصرالدین شاه تا اوایل سلطنت مظفرالدین شاه را در بر می گیرد (شریف زاده، ۱۳۷۵).

با بررسی تصاویر چاپ سنگی هر دو گروه، به طور کلی می توان از نظر کیفی نیز آن تصاویر را

به سه دسته تقسیم نمود: ۱- تصاویر ممتاز و طراز اول که بدست نقاشان و تصویرگرانی زبده و چیره دست به نقش در آمده اند. ۲- تصاویر متوسطی که تصویرگران آن ها نیز در مهارت و توانایی میانه حال بودند ۳- در نهایت تصاویر ضعیفی که مصوران آن ها افرادی بودند که مهارت کافی در ترسیم نداشتند.

بررسی صفحه آرایی در نسخ چاپ سنگی

با رواج چاپ سنگی، سطح کیفی صفحه آرایی در قیاس با کتاب های خطی گذشته، پایین آمد. دلیل این نزول کیفی نه فقط عدم تسلط و چیرگی مصوران و تذهیب کاران و خطاطان در قیاس با استادان گذشته، که بیشتر به سبب محدودیت امکانات فن چاپ در بهره گیری از تمام مهارت های هنرمندان زمان بوده است.

در ایران برای صفحه آرایی کتاب های چاپی تلاش شد که از همان شیوه های مرسوم در کتابهای خطی استفاده شود و تمام صنایع و فنون تزئین کتاب های خطی در کار چاپ سنگی به نمایش در آیند. تنها با این تفاوت که آرایش کتاب های خطی مستقیماً بوسیله هنرمندان پرداخته و رنگ آمیزی می شد ولی در چاپ سنگی به علت فن ویژه و امکانات محدود آن، هنرمند ارتباط مستقیم با کاغذ نداشته، این کار طی مراحل و صرفاً با رنگ سیاه به چاپ می رسید. صفحه آرایی مطبوعاتی ایران در آغاز تحت تاثیر کتاب های چاپ سنگی دوره ناصرالدین شاه و متأثر از مطبوعات چاپ هند بود. پس صفحه آرایی نخستین روزنامه های قاجار همان ویژگی های بصری صفحه آرایی کتاب های خطی ابتدای قاجار را داراست که در آن ها کادر و کتیبه فراوان دیده می شود و تقارن مهمترین اصل را در ترکیب بندی عناصر بصری دارد. سرلوحه یا سر لوح در سرآغاز روزنامه نگاری به وسیله نقاشان و خوشنویسان طراحی می شد. بسیاری از سرلوحه های نشریات عهد ناصری پر تزئین هستند و نام نشریه ها بیشتر با خط نستعلیق و گاه ثلث نوشته می شد.

نقش شیر و خورشید که علامت دولت ایران بود، در بالای صفحه اول بسیاری از روزنامه های دوره قاجار به عنوان نقش سرلوح دیده می شود. تصویر فرشته در نقوش سرلوح روزنامه ها از نخستین تأثیرات نقاشی غربی بر نقوش ایرانی است.



نتیجه

شیوه چاپ سنگی دارای ویژگی های خاص فنی است که در شکل گیری ویژگی های زیبایی شناسانه آثار مربوط به آن موثر است. اما مطالعات اولیه درباره چگونگی شکل گیری سبک مصور سازی کتب چاپ سنگی نشان می دهد که نخستین الگو برای مصورسازان چاپ سنگی دوره قاجار همان نقاشی درباری این دوره است. به ویژه آنکه بسیاری از آثار تصویری چاپ سنگی توسط نقاشان برجسته دربار قاجار به وجود آمده و در چاپخانه سلطنتی به چاپ رسیده اند. تصاویر چاپ سنگی دوره قاجار یا تحت تأثیر نقاشی های دوره فتحعلی شاه پر تزیین و دو بعدی و با همان ترکیب بندی های عمودی و افقی بودند و یا از نقاشی های واقعگرایی دوره ناصرالدین شاه تأثیر پذیرفته اند. از سویی دیگر عکاسی نوپای ایران که در عهد ناصری دوران پر فعالیت آغازین خود را طی می کرد، در واقعگرایی نقاشی و به تبع آن واقعگرایی عکس گونه تصاویر چاپ سنگی، تأثیر اساسی و عمده ای داشت. این مقاله با طبقه بندی ویژگی های آثار چاپی و توصیف و تحلیل این ویژگی ها اثبات می کند که، همان گونه که سیر تحول سبک نقاشی قاجار به سمت و سوی طبیعت گرایی و عینت پردازی سوق می یابد. شیوه مصور سازی آثار چاپ سنگی نیز به ویژه در مطبوعات، به سمت واقع نمایی و مستند سازی پیش می رود. تصاویر بر جای مانده از کتاب های چاپ سنگی منتشرشده در این دوره، از تنوع بیشتری نسبت به تصاویر روزنامه ها برخوردار بودند. این امر بستگی به محتوای کتاب ها داشت. کتاب های مربوط به وقایع روز همانند سفرنامه ها، تصاویری واقعگرایانه و عکس گونه داشتند. ولی کتاب هایی با محتوای روایتی و حکایتی اغلب دارای تصاویری دو بعدی و پر تزیین بودند.

منابع و ماخذ

- پاکباز، روین، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران، نشر نارستان، چاپ اول، ۱۳۷۹،
 رایین، اسمعیل، اولین چاپخانه ایران، تهران، روزنامه آلیک، ۱۴۴۷.
 شریف زاده، سید عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، تهران، حوزه هنری، چاپ اول، ۱۳۷۵.
 فلور، ویلم و چلکوفسکی، پیترو و اختیار، مریم، نقاشی و نقاشان دوره قاجار، مترجم یعقوب آژند، تهران، ایل شاهسون بغدادی، چاپ اول، ۱۳۸۱.
 قاسمی، سیدفرید، سرگذشت مطبوعات ایران، جلد اول، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۰.
 قاسمی، سید فرید، تاریخ روزنامه نگاری ایران، جلد اول، تهران، چاپ اول، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پاییز ۱۳۷۹.
 محمدی، محمد هادی و قایینی، زهره، تاریخ ادبیات کودکان ایران، جلد سوم و چهارم، تهران، چیستا،
 چاپ اول، ۱۳۸۰.
 مراثی، محسن، نقاشان بزرگ و عکاسی، تهران، مرکز چاپ و نشر دانشگاه شاهد چاپ اول، ۱۳۷۹.
 میرزای گلپایگانی، حسین، تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران، تهران، چاپ اول، نشر گلشن، اردیبهشت، ۱۳۷۸.
 نفیسی، سعید، نخستین چاپهای مصور در ایران، راهنمای کتاب، شماره ۳، سال اول، پاییز ۱۳۷۷.



تصویر ۳- فتحعلی شاه قاجار
در لباس رسمی دربار پرده
رنگ روغنی مرقوم مهر علی ،
۱۲۲۸ هـ ق